

گلرنگ نغمی

تربیت روان‌شناسی
 تربیت روان‌شناسی
 تربیت روان‌شناسی
 تربیت روان‌شناسی



هدف از تربیت ، انسانیت انسانهاست .
جهان انسان شد و انسان جهانی

از این پاکیزه تر نبود بیانی
چیزی که امروز متاه سفاکه در دنیای شرق و
غرب مطرح نیست . فریدون مشیری یک بیان
نظم گونه‌ای برای دنیای امروز دارد :

قرن ما ، روزگار مرگ‌انسانیت است
سینه دنیا ز خوبیها تهی است
صحبت از آزادی ، پاکی و مروت ابلهی است
گفتن از موسی و عیسی و محمد نابجاست
چیزی که امروز در دنیا مطرح نیست . علم
مطرح است اما جهت کمال مطرح نیست . تربیت
دو هدف دارد ، یکی بعد ایمانی یعنی آماده
کردن انسان برای شنیدن پیام خدا از طریق
پیغمبران . ایمان محور تمام فعالیت‌های بشری
است .

آدمی کاندر طریق معرفت ایمان ندارد
شخص انسان دارد و شخصیت انسان ندارد
ای که مغروری به دانش ، دانشت بیشتر کن
تا بدانی هیچ ارزش علم بی ایمان ندارد
کاخ دانش گرهه از سنگ واز پولاد سازی
لرزد وریزد گراز ایمان بی و بنیان ندارد
بعد دوم ، بعد علمی است . یعنی آماده
کردن انسان برای اینکه بتواند از علم بصورت
یک ابزار استفاده کند . علم بدون ایمان نه
تنها مفید نیست بلکه خطرناک هم هست .

چو دزدی با چراغ آید

گزیده سر برد کالا

علم و مال وحشمت و جاه وقران

فتنه آرد درکف بد گوهران

نیغ دادن درکف زنگی مست

به که گیرد علم را ناکس به دست

در شروع ماه حسینی ، با یاد حسین و بنام
حسین و با استعانت از حضرت امام حسین
علیه السلام سخن خود را با این شعر شروع
می کنم :

عجب چراغ شگفت آوری است نورحسین
که هرچه باد و زد می شود فروزانتتر

إِنَّ حَيَوَةَ الْأَرْضِ بِحَيَوَةِ النَّاسِ وَ حَيَوَةُ النَّاسِ
بِحَيَوَةِ الْعِلْمِ وَ حَيَوَةُ الْعِلْمِ بِحَيَوَةِ التَّوَكُّلِ وَ
حَيَوَةُ التَّوَكُّلِ بِحَيَوَةِ الْإِخْلَاصِ .

زمینی زنده است که در آن مردمی زنده
باشند و دانشی دارای ارزش است کسه در آن
نیستی نهفته باشد و نیستی می تواند پسویایی
داشته باشد که از سرصدق و اخلاص باشد .
بحثی که در این فرصت کوتاه به عهده من
واگذار شده مسئله تربیت و روان شناسی است .
اول تعریفی از تربیت : تربیت عبارت است از
تغییر مطلوب در رفتار . و تغییر مطلوب یعنی
متصف شدن به صفات الهی . بنابراین جهت
تربیت حرکت کردن به سوی کمال و کسب تعالی
است . یا بقول امام محمد غزالی در کتاب
کیمیای سعادت ، ویزکیهم آن بود که اخلاق
ناپسندیده که صفات بهائم است از انسان پاک
شود و یعلمهم الكتاب والحکمه آن است کسه
صفات ملائکه در انسان بوجود آید . حرکت به
سوی کمال انسان را برای سعادت ابدی و ملاقات
با پروردگار آماده می کند .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ ، إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا
وَمُلَاقِيه .

به مسائلی که آگاه می شوید علاقه مند می شوید .
شادیده آید بعضی از دانش آموزان در مدرسه
از مرحله آگاهی نمی گذرند . یعنی مدرسه
برایشان مثنی محفوظات است که از جزوه یسا
کتاب معلم به مغزشان منتقل می شود ، از آنجا
به ورقه امتحانی انتقال پیدا می کند بعد هم
فراموش می شود . این آگاهی است . فقط آگاهی
است . این تربیت نیست مرحله دوم ایجاد
علاقه است . انسان نسبت به مطلبی که به او
یاد می دهند یا یاد می گیرد علاقه مند
می شود .

مرحله سوم پذیرش است . قبول می کند .
پذیرش نتیجه ارزش گذاشتن است . من قبول
دارم که باید در برابر چراغ قرمز ایستاد این
را قبول کرده ام .

مرحله چهارم مرحله بکار بستن است .
یعنی چیزی که من قبول دارم ، عمل کنم . بین
پذیرش و بکار بستن فرق است . پذیرفتن نتیجه



نردبان صعود به سوی کمال ، دارای پله های
نامحدود است . گاهی انسان به جایی می رسد
که می شود در باره اش گفت : من آب شدم
سراب دیدم خود را ، این یک نوع کمال است .
من آب شدم سراب دیدم خود را

دریا گشتم ، حباب دیدم خود را
آگاه شدم غفلت خود را دیدم

بیدار شدم ، به خواب دیدم خود را
تا بجایی رسید دانش من

که بدانم همی که نادانم
آدم از این پله ها برود بالا آنجا برسد که
بفهمد که نمی فهمد ، باید یک جایی رسیده باشد .
البته این پله ها نامحدود است .

رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت
اگر انسان در جهت خدا حرکت کند
و خودش را به صفات خداوند متخلق کند ، به
فطرت خودش عمل کرده است . چون خداگرایی
و کمال جویی فطری انسان است .

فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا

کیست انسان ، آنکه انش با خداست
که دوایش درد و درد او دواست

هردلی کونیست دائم دردناک
نیست واصل ، نیست داخل ، نیست پاک
تربیت دارای چهار مرحله است . مرحله
اول مرحله آگاهی است یعنی انسان را نسبت
به یک مطلبی مطلع می کند . من دارم راجع به
تربیت باشما صحبت می کنم . شما از تعریف
تربیت ، هدف تربیت آگاه می شوید .
مرحله دوم ایجاد علاقه است . شمانسبت



باشد . هیچوقت آدمی که دروغ می گوید نمی تواند مردم را به راستی دعوت کند . پدر و مادری که دروغگو هستند با نصیحت کردن نمی توانند بچه شان را به راستی دعوت کنند .

مکن در این چمن سرزنش به بدرویی

هرآنچه تربیت می کنند می رویم می گویند یکی از بزرگان از کوجه ای عبور می کرد ، باران آمده بود . کوجه خاکی بود گل شده بود . پای یک بچهای که از آن کوجه رد می شد در گل گیر کرده بود . این بزرگ ، این دانشمند و این عالم ربانی متوجه نشد که این بچه پایش گیر کرده . صدا زد پسر جان نیافتی . مواظب باش که نیفتی . گفت که تو مواظب باش که نیفتی چون من اگر افتادم خودم افتاده ام اما اگر توفتادی خلقی از دنبال تو خواهند افتاد .

ارزش گذاشتن است اما بکار بستن نتیجه ایمان است . گاهی دیده‌اید انسانها یک چیزی را دارند اما عمل نمی‌کنند . از او سؤال کن که در صف اتوبوس آیا باید منظم در صف ایستاد و بنوبت رفت ؟ می گوید بله ، اما عملاً نگاه کن ببین بعضی ها نمی‌کنند این کار را . قبول دارد اما این کار را نمی‌کند . برابر چراغ قرمز ایستاده است این طرف و آن طرف را نگاه می‌کند می بیند که کسی نیست ، پلیس نیست پامی گذارد روی گاز و رد می‌شود . اینجاست تربیت نشده . حرف را قبول دارد اما عمل نکرده است .

حضرت علی (ع) فرمایش عجیبی دارد .
می فرماید :

الْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَّاصِفِ وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصِفِ .

حق درگفتن خیلی ساده است اما درعمل کردن تنگنا دارد .

آیا به آن چیزی که می‌گویی عمل می‌کنی ؟ اگر عمل کردی ، تربیت شده‌ای . اما اگر عمل نکردی تربیت نشده‌ای ، در همان زمینه معین برای تربیت کردن :

۱ - مربی باید خویشتن را بسازد . خودسازی درجهت رضای خدا و بعد انسان سازی درجهت رضای خدا .

ذات‌نایافته از هستی ، بخش
کی تواند که شود هستی بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی
نآید از وی صفت آب دهی

کسی که چیزی ندارد چطور به کسی چیزی می‌دهد ؟ هیچوقت فاقد شیئی معطی شیئی نمی‌تواند

طوری شده، نمره فلان آورده. هر که نمره خوب آورد تربیت شده؟ " و در سیر و سلوک به جایی رسیده است. شامگاهان به منزل اوحدی درآمد که رستگار شدم. شیخ گفت: مگر پرتو حق در خواب تجلی یافت که این چنین خوشحالی؟ جواب داد نه، همین که عکس ماه را در آب می بینم نشان از کنار رفتن هوای نفس از دیدگانم دارد. شیخ به طعنه گفتش: مادر خود می نگریم و عکس ماه می بینیم و باز به رستگاری امیدی نداریم که پیش از ما بودند و هستند کسانی که در ماه می نگرند و جلوه یار می بینند.

مرغ در بالا پیران و سایه اش

می پرد بر روی صحرا مرغ وش

ایلهی صیاد آن سایه شود

می دود چندان که بی مایه شود

بی خبر که اصل آن سایه کجاست

بی خبر که اصل آن مرغ هواست

با یا این سایه است دنبال سایه نرو.

اینجاست که واقعا " باید گفت و واقعا " درست

هم هست، معلمی شغل انبیاست.

نه هرکه چهره برافروخت دلبری دارد

نه هرکه آینه سازد سکندری داند

نه هرکه طرف کله کج نهاد و تند نشست

کلاه داری آیین سروری دانند

مربی مواظب باش اینک می گویند معلمی شغل انبیاست یک مفهومش این است که هر کسی نمی تواند معلم باشد. هر کسی نمی تواند مربی باشد. آنکه خودش را نساخته چگونه می خواهد دیگران را بسازد؟ گاهی ادعاهم می کند یعنی گاهی امر بر خود آدم هم مشتبه می شود. بعضی ها هستند که خودشان هم نمی دانند این کاری که دارند می کنند درست نیست. شما دیده اید، بعضی از انسانها، انسانهایی که تصور می کنند هرچه بگویند درست است. یکی از علائم نادرستی کار مربیان این است که فکر می کنند همه کارهایشان درست است. نگاه نمی کنند که ببینند کار درست تر چیست؟ گاهی ممکن است یک بچه کوچکی متوجه اشکال بشود و آن را بگوید. یکی شیطان را در خواب دید که یقماش را گرفت، چانه اش را گرفت، نمی دانم ریشش را گرفت و گفت که تو دشمن بشر هستی و مایه هر شر. بیدار شد چانه خودش در دستش است. نکند که خدای ناکرده ما این طوری باشیم. و بخواهیم مبارزه بکنیم، اما اول مبارزه با خودمان نکنیم. اشتباه بکنیم. با این که این داستان عرفانی است اما جالب است.

یکی در آب عکس ماه دید گمان داشت به

هدفش رسیده. تربیت کردیم آقا، این بچه این

برای تربیت کردن بایستی به تفاوت های فردی

عوامل ارثی و محیطی، عوامل رشد، هوش و

استعداد، نیازها و امکانات، ناکامیها و

تعارضهای روانی و راههای مقابله با آنها آشنا

بود.

خوب این مرحله اول ، (پس کسی که بخواهد تربیت کند اول باید خودش را بسازد) دوم اینکه دانش روان شناسی و اصول آن و کار برد آن را بداند . هم روان شناسی نظری بداند و هم روان شناسی کاربردی . روان شناسی نظری عبارت است از مطالعه علمی رفتار انسان و دیگر حیوانات .

روان شناسی کاربردی درصدد است تا اصول و قوانینی را که توسط روان شناسی نظری وضع شده در جهت تغییر رفتار بکار ببرد .

مگر نه اینکه من گفتم تربیت عبارت است از تغییر مطلوب در رفتار؟ اینجا هم آدم اصولی را که در روان شناسی یاد می گیرد این اصول را در جهت تغییر رفتار بکار برد . ببینید ، درست رابطه مستقیم بین روان شناسی و تربیت هست . برای تربیت کردن بایستی به تفاوت های فردی ، عوامل ارثی و محیطی ، عوامل رشد هوش و استعداد ، نیازها و امکانات کودکان و نوجوانان و بزرگسالان از نظر رشد بدنی هیجانی ، اجتماعی ، عقلی ، فکری ، یادگیری و انتقال آن و فراموشی ، نوع ناکامیها ، تعارضهای روانی و راههای مقابله با آنها آشنا بشویم . همه اینها در حیطه کار روان شناسی است .

اگر یک کسی اصول و قوانین رشد را نداند خوب تربیت دچار اشکال می شود . رشد تغییرات کمی و کیفی است که با پیشرفت زمان در طبیعت ، ساخت و رفتار موجود زنده حادث می شود ، از روی نظم و قانون و بتدریج .

این تغییرات و دگرگونیها در هر دوره ای از زندگی انسان ، تواناییها ، نیازها و دشواریها را بوجود می آورد . ولذا پرورش و آموزش خاصی را ایجاب می کنند شما نمی توانید به یک بچه چهارساله



مثلاً " لگاریتم یاد دهید . شما نمی توانید بچه ای را که هنوز از جهت جسمی و روانی آماده نشده یک مسائلی را یادش بدهید که بعداً " که آمادگی پیدا کرد از این مسائل بیزار می شود . در دوران اول کودکی ، یعنی ۵ سال اول کودکی که پایه ریزی شخصیت کودک ، زیر بنای شخصیت کودک در این دوره است و اشعاری هست منسوب به حضرت علی (ع) می فرماید :

حَرِّضَ بَنِيكَ عَلَى الْأَدَابِ فِي الصَّغَرِ

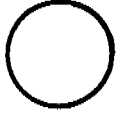
كَيْمَا تَقْرِبَهُمْ أَيْتَاكَ فِي الْكِبَرِ

وَأَمَّا مَثَلُ الْأَدَابِ تَجْمَعُهَا

فِي عُنُقِ الْوَالِدِ صَبِي كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ

تعلیم و تربیتی که در دوران کودکی آموخته می شود مثل نقشی است بر سنگ . بنابراین





رفتار شما در این ۵ سال اول زندگی پایه ریزی شخصیت بچه است که :

خشت اول گرنهد معمار کج

می رود تا گنبد دوار کج

اینجا بیشتر تربیت غیر عمدی موثر است ، نه تربیت عمدی . اینجا رفتار شما موثر است . اینجا نمی خواهد بگوید به بچه صبح زود پاشو . اینجا همه خانواده اگر صبح زود پاشود بچه خودش صبح زود بلند می شود .

اینجا نصیحت کردن بعضی اوقات تاءثیر معکوس دارد . اما خود رفتار شما الگویی برای بچه است . ببیند تو چکار می کنی . ببیند خواهر و برادرش چکار می کنند ، همانها رایاد می گیرد ، همانها را می آموزد .

خوب ، رشد تدریجی است ، یعنی هر سنی یک خصوصیات خاصی را ایجاب می کند ، از نظر عقلی ، فکری ، اجتماعی ، بدنی و احساسی . حالا یک وقت مثلاً " فرض بفرمایید ما بخواهیم جهان بینی استاد مطهری را در سن ۹ سالگی به بچه پیاموزیم تاءثیرش معکوس است . چقدر قشنگ می گوید مولوی :

درس گوید شب به شب تدریج را

در تاءنی در دهد تفریح را

در تاءنی گوید ای عجول خام

پایه پایه بر توان رفتن به بام

دیگ را تدریج و استادانه جوش

کار ناید غلیه دیوانه جوش

حق نه قادر بود بر خلق فلک

در یکی لحظه بکون بی هیچ شک

پس چرا ۶ روز آن را برکشید

کل یوم عرش عام ای مصطفی

خلقت آدم چرا چل صبح بود

اندر آن گل اندک اندک می فزود

خلقت طفل از چه اندر نهمه است

زانکه تدریج از سنهای شه است

نی چوتوای خام کاکنون تاختی

طفلی و خود را توشیخی ساختی

بردویدی جو کدو فوق همه

کو تو را پای جهاد و ملحمه

آدم خصوصیات رشد را بداند و بداند هر

دوره ای از رشد چه چیزی لازم است . شما

روان شناسی رشد را باید بخوانید ، بدانید و

آن وقت اعمال کنید .

مسئله شناخت کودک از نظر معمولی ، تیز

هوش ، عقب مانده ، ذهنی ، از مسائل مهم

روان شناسی است . تفاوت های فردی یکی از

مسائل مهم روان شناسی است . چطور شما یک

بچه ای که از نظر هوشی ، نورم هوشی اش

۱۴۰ است این را رقیب می کنید با شاگردی



پنج پنج تا بر چه مبنایی ؟
 مبنای ۱۰؟ مبنای ۷؟ بر چه مبنایی ؟ او نمسی
 فهمید که من چه می گویم . بیرونم می کرده .
 می گفت برو بیرون از کلاس . بابا من
 می فهمیدم او نمی فهمید .

خوب وقتی آدم روانشناسی بخواند ، وقتی
 خصوصیات مسائل مربوط به وراثت و محیط را
 بداند ، خوب مابسیاری از مسائل داریم مسائل
 ارثی است . حتی از جهت رفتاری . پدر و مادر
 صالح بچه شان صالح می شود مگر اینکه یکی از
 اینها زن معیوب داشته باشد ، این زن به او
 برسد . حالا ما استثنائات را هیچ وقت در علم
 تعمیم نمی دهیم . اما مسائل معمولی مسائل
 عادی است . در مسائل عادی پدر و مادری که
 صالح هستند باید بچه شان صالح بشود . حالا
 اگر که بچه نوح بد می شود این علت تامه نیست
 علت ماده است . مقتضیات است . یا اگر فضیل
 ایاض خوب می شود باز هم علت تامه نیست ولی
 معمولاً از پدر و مادر صالح بچه صالح بدنیا
 می آید .

خدا هم در قرآن می گوید :

رَبِّ لَأَنْذِرَ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَارًا إِنَّكَ
 إِنَّ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يُلِدُوا فَاَجْرًا كَفَّارًا

خدایا اینها را از بین ببر ، اگر از بینشان
 نبری اینها زاد و ولدهم نمی کنند مگر اینکه
 اشخاص فاجر و کافری .

پس صالح بودن ، شایستگی خانوادگی
 شرافت خانوادگی روی رفتارها اثر دارد . امام
 حسین هم روز عاشورا شاید در آخرین لحظاته
 بود که این خطبه را خواند . اوایل خطبه اش
 این است :

که نورم هوشی اش کمتر از ۱۰۰ است . می -
 شود ؟ آیا هرگز به اومی رسد ؟ خوب نمی رسد .

من دومورد مصداقی برایتان تعریف کنم .
 یک وقتی در یک کلاس درسی از یک دانش آموز
 کلاس سوم ابتدایی ، از یک دانش آموزی سؤال
 کردم که پسر جان قیمت یک مداد ۵ ریال است
 قیمت دوتا مداد چند است ؟ گفت : نمی -
 دانم . سئوالم را تکرار کردم ، آرامتر ، قیمت
 یک مداد ۵ ریال است ، قیمت دوتا مداد چند
 است ؟ باز گفت : نمی دانم . دفعه سوم با
 اعتراض گفت که آقا من نمی دانم ممکن است
 قیمت آن مداد دیگری ۱۰ ریال باشد ، ۷ ریال
 باشد من نمی دانم قیمت دوتا مداد چند
 است .

بچه به یک نکته ظریفی توجه کرد که من
 نگفتم قیمت دوتا مداد از همان نوع ، خوب این
 بچه را کنار یک بچه معمولی می خواهیم
 بشانیم ؟ خوب بسی عدالتی است .
 بی عدالتی است که دانش آموز ممتاز کنار
 بچه های معمولی درس بخواند .

گفتند از اینشتین نابغه مشهور ریاضی
 سؤال کردند که تو که فرضیه نسبیت را در جهان
 بوجود آوردی ، تو که نابغه ریاضی دنیا هستی
 در دوران ابتدایی کلاس سوم ، جدول ضرب را
 بلد نبودی ؟ نمی توانستی بگویی پنج پنج تا ۲۵ تا
 می شود ؟ و بخاطر اینکه ریاضیات خوب نبود
 از کلاس بیرون می کردند . گفته بود که از کلاس
 بیرون کردیم درست است اما من می فهمیدم
 معلم نمی فهمیده . گفته بودند چطور ؟ گفته
 بود او به من گفت پنج پنج تا چند تا می شود ؟ من
 فکر می کردم پنج پنج تا بر چه مبنایی ؟
 پنج پنج تا بر مبنای اعشاری بلکه بیست و
 پنج تا می شود . من سؤال می کردم

نَجَاةٌ

هر لحظه به شکلی بت عیار درآید . ما اینها را هم باید خیلی دقت کنیم بشناسیم . خیلی باید دقت کنیم . گفتند یک نفر بوده است که این مطابق روز عمل می کرده همان بمیلون مع کل ربح مطابق روز عمل می کرده هیچوقت هم هیچ اتفاقی برایش نمی افتاده . یک وقت در زندان او را دیدند ، گفتند تو که بسد بودی چکار بکنی چه شد به زندان افتادی؟ گفت ولله من هر صبح که از خانه بیرون می آمدم نگاه می کردم ببینم با داز کدام طرف می وزد دنبال همان طرف می رفتم . آن صبحی که باعث شد من به زندان افتادم در گرد باد افتادم نفهمیدم باد از کدام طرف است این طوری شد .

مواظب این طور افراد هم باید باشیم . به عنوان آخرین فرصت برای اینکه صحبت من ختامی داشته باشد برای یادگیری که منجر به تربیت می شود ، ببینید یادگیری می شود پذیرش دیگر ، بعد از پذیرش می شود تربیت .

اصولی را ما باید رعایت کنیم . این چند اصل را به عنوان هدیه من خدمتان می گویم انشاء الله که یادتان باشد .

برای اینکه یادگیری بهتر و سریعتر انجام بشود و انشاء الله این یادگیری منجر به تربیت و به بکار بستن بشود باید اصول زیر را رعایت کنیم :

۱ - تعیین هدف : هدف باید برای مربی و مربی روشن باشد . ما گاهی یک هدفهای کلی می گوئیم ، می گوئیم انسان باید خوش اخلاق باشد . این هدف خیلی کلی است . هدف باید

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنَّبِئَةِ وَ
فَقَهْتَنَا بِالذِّينِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ

خدایا تو را سپاس می گزارم از اینکه مرا از خانواده نبوت خلق کردی . اشاره به این است که دامن پاکی که مرا پرورده هرگز اجازه زیر بار ذلت رفتن را به من نمی دهد . من در دامن زهرا ی اطهر پرورش پیدا کرده ام من زیر بار ذلت نمی روم . این شرافت است .

أَشْهَدُ أَنْكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ
الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ ، لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ
بِأَنْجَاسِهَا وَ

خوب ما باید اینها را بدانیم . ما اگر سر بخواهیم تربیت بکنیم باید بدانیم . اما یادمان باشد که این شناختها شناخت نسبی است . ماهیچوقت ، بهیچوجه از نظر علمی نمی توانیم یک کسی را بگوئیم صد درصد شناخته ایم . هیچ علمی نتوانسته است چنین چیزی بگوید . هیچیک از علوم انسانی چنین ادعایی را ندارد . انسان موجودی است بسیار پیچیده . و این طوری نیست که نظاهرات زندگی مردم اصل زندگی شان باشد . گاهی چنان شکل می گیرد و چنان خودش را با محیط وفق می دهد که آدم فکر نمی کند که این ممکن است یک وقت یک کاری هم بکند .

أَتَّبِعُ كُلَّ نَائِقٍ يَمِيلُونَ مَعَهُ كَلِّبِ رِبْحٍ

فرمایش حضرت علی (ع) :

النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِي ، مُتَعَلِّمٌ إِلَيَّ سَبِيلِ

بچه چقدر طاقت ایستادن دارد؟ واقعا" این آمادگی دارد برای ایستادن؟ آیا این حرفهای تو برای این بچه نتیجه دارد؟ آیا این بچه ای که جمع بلد نیست می تواند تفریق یاد بگیرد؟ باید آمادگی داشته باشد. آیا این بچه ای که مریض است بیمار است، (من نمی خواستم مسائل روان شناسی را برای شما توضیح بدهم.) خوب یک بچه ای ممکن است غده تیروئیدش کمتر از معمول ترشح کند بچه سرکلاس نارسایی دارد. یک بچه ای ممکن است سوء تغذیه داشته باشد تغذیه به معنای شکم سیر کردن نیست، غذا به معنای کیفی یعنی کمبود مواد پروتئیدی لیبیدی، گلوئیدی، ویتامینها، این کمبود داشته باشد، این بچه نرمالی نیست، بچه آنرمالی است. بچه طبیعی نیست، بینیم آمادگی دارد؟ چقدر می توانیم به او درس بدهیم؟ چقدر می توانیم با او کار بکنیم؟ بابا معلم اول خودت را آماده بکن، نرو سر کلاس اشتباه بکنی. گفت که آخر بعضی معلمها خودشان را سرکلاس نمی شکنند. معلمی سرکلاس گفت نظامی سمرقندی، گفت که نه بابا این نظامی گنجوی است. شاگرد سرکلاس گفت آقا این نظامی گنجوی است سمرقندی نیست. گفت بله همان نظامی گنجوی سمرقندی آماده کنیم خودمان را.

انگیزش: بابا یک انگیزه هایی بوجود بیاوریم بچه ها علاقه مند بشوند. علاقه مند به یادگیری بشوند. اصرار برهرچیزی ایجاد عصیان می کند. هرچیزی که اصرار بکنی ایجاد عصیان می کند، صبر کنیم، آرام، آرام کم کم. "تو باید ۵ تا حدیث حفظ کنی" بچه کلاس دو، من حدیث از رو نمی توانم بخوانم

شکسته بشود به صورت رفتار در بیاید. من چکار باید بکنم. بچه باید بداند که من وقتی می گویم نظم، وقتی می گویم منظم منظور از نظم این است که یک انسان منظم هم برای خودش مفید است هم برای جامعه مفید است. هزار مرتبه شما فرمایش حضرت علی را بنویسید در مدرسه و دفتر، راهرو، همه جا بزنید.

اَوْصِيْكُمْ وَجَمِيْعٍ وَّوَلَدِيْ وَاَهْلِيْ وَاَنْتَ مِنْ بَلَدِنَا كِتَابِيْ يَنْتَقُوْنَ اللّٰمِ نَظْمِ اَمْرِكُمْ.

اما معلم خودت ده دقیقه دیربروآن ده دقیقه دیر رفتن اثر می گذارد. وقتیکه به بچه می گویم که می خواهیم منظم باشید اول من خودم منظم ام. هدف روشن است. منظم باشیم یعنی اینکه سر وقت بیایم سرکلاس، یعنی اینکه این کلاس که تمیز است، نظیف است باید تمیز و نظیف نگهش بداریم، یعنی اینکه بدانیم که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد جای بازی بازی است، جای درس، درس است، این ها همه باید برای بچه روشن شود. باید بفهمد من می گویم تو باید این کار را بکنی. چرا؟ چرا ندارد من بهتر از تو می فهمم. نه بابا بچه بهتر می فهمد، فکر نکنید بچه ها نمی فهمند. بچه ها می فهمند. کار معلم تسخیر دلهاست نه تسخیر زبانها، بچه اگر به اهمیت یک کاری پی برد فهمید این کار مفید است به مفید بودنش پی برد خودش انجام می دهد.

دوم: آمادگی: بچه باید از نظر جسمی و روانی آماده باشد. بابا این الآن نمی تواند صبح زمستان است هوا سرد است. تو خودت مدیر مدرسه، در دفتر، دفتر گرم نشستی یا ایستادی، بلند گو هم جلوت است هی مرتب حدیث بخوان و هی مرتب نصیحت کن. این

وقتها طبیعی بچه است ، طبیعی است از بچه ای که در دوران بلوغ است طبیعی اش این است که خیلی هم حواسش متمرکز نمی شود . و باید بدانیم .

ارتباط مطالب : مطالب آموزشی باید بهم مرتبط باشد ، بهم ربط داشته باشد .

تکرار و تمرین : یادمان باشد تمرین برای تثبیت مطالب آموخته شده است . یعنی مطلب را بچه باید یاد بگیرد بعد تمرین کند که یادش نرود نه اینکه تمرین برای یادگیری است . نگویه بچه برو چهار مرتبه از روی این درست بنویس برای اینکه یاد بگیری . نه بابا ایسمن باید یاد بگیرد بعد از یاد گرفتن تمرین کند ، تکرار کند که یادش نرود . تمرین برای یسناد گیری نیست . و اینهم حد دارد . شما بچه هائی را که از دو مرتبه بیشتر تکلیف می نویسند آزمایش کنید ، تکلیفهایشان را تصحیح کنید ببینید چند تا غلط دارد ، ببینید چقدر اشتباه دارد ؟

انشاء الله امیدواریم خداوند به همه ما و شما توفیق بدهد که در جهت رضای خودش برای تربیت صحیح و اسلامی فرزندان این مرزو بوم خدمت بکنیم .



من که الان اینجا خدمت شما هستم کتاب مطالعه می کنم ، دقت می کنم اما احادیثی را که از کتاب می خوانم پیش چند تا روحانی اینها را دقت می کنم یک وقت این را اشتباه نکنم ، نگویم به بچه می گویی برو این ۵ تا حدیث را بخوان بعد می روی می بینی می گوید خود معلم بخوان خودت ، بخوان ، بابا نمی - تواند وقتی نتوانست بجای ایجاد علاقه در او ایجاد نفرت در او می شود . آخر ما یک چیزی داریم بنام بشیر درقرآن ، بشیرا " وندیرا " یک چیزی داریم به نام نذیر درست است بشارت و انذار خیلی خوب است اگر در حد متعادلش باشد اما یک چیزی داریم بین این دو تا بنام تنغیر . و آن عبارت از نفرت حاصل شدن است . آدم متنفر می شود نمی آید دنبالش .

تمرکز حواس : آخر یک وقت می بینی که چشم به تو و دلم بجای دگر است . شما اینجا نشسته اید اصلا " حواستان به صحبت های سخنرانی نیست ، خیلی هم قشنگ دارید نگاه می کنید . خیلی وقتها بچه ها اینطوری هستند .

این تمرکز حواس را باید امتحان کنیم آزمایش کنیم ببینیم چرا اصلا " این بچه حواسش پیش مانیت ؟ بعضی وقتها هم طبیعی است . در دوره نوجوانی طبیعی است . اینکه می گویند روانشناسی نوجوانی را بخوانید روانشناسی بلوغ را بخوانید ، روانشناسی اجتماعی را بخوانید ، روانشناسی تربیتی را بخوانید برای این است ، که خوب بعضی



نشریه ماهانه

انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

صاحب امتیاز

انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول و سردبیر

منصور نجفی زاده

طرح و تنظیم

هوشنگ موفق اردستانی

نشانی: تهران خیابان انقلاب روبروی دانشگاه

تهران - خیابان فخررازی - پلاک ۷۶ - ۷۴

تلفن: ۶۴۰۷۱۱۶ و ۶۴۰۲۶۲۱

دفتر مجله: ۶۶۸۷۷۰

تک شماره ارسالی انجمن: ۶۰ ریال

آبونمان سالیانه در ایران (۹ ماه تحصیلی

و ویژه نامه تابستان) با هزینه ارسال: ۷۵۰ ریال

اروپا: ۲۰۰۰ ریال آمریکا: ۲۲۰۰ ریال

آسیا: ۱۸۰۰ ریال آفریقا: ۲۳۰۰ ریال

متقاضیان می توانند وجه آبونمان را از یکی از

شعب بانک صادرات در تمام نقاط کشور بحساب

جاری جاری ۸۰۴ بنام انجمن اولیاء و مربیان ایران

بانک صادرات شعبه شماره ۱۰۴۳ خیابان فلسطین

خیابان سزاوار واریز نموده و فیش آن را به دفتر

مجله صندوق پستی شماره ۱۶۳۷ - ۱۳۱۸۵

ارسال فرمایند.

چاپخانه سلمان فارسی

رخدادهای ماه

روز دوم آبان: شهادت حضرت امام رضا (ع)
امام رضا (ع): کمک به ناتوان از صدقه دادن
بهتر است.

روز سوم آبان: هجرت پیامبر اکرم (ص)
مبدأ تاریخ اسلام

پیامبر اکرم (ص): هیچ شرفی بالاتر از
از اسلام و هیچ عزتی بالاتر از تقوی نیست.

روز دهم آبان: شهادت حضرت امام
حسن عسکری (ع)

امام حسن عسکری (ع): هیچ بلائی نیست
مگر آنکه در پیرامونش از طرف خدا نعمتی
است.

روز سیزدهم آبان: روز دانش آموز

روز نوزدهم آبان: میلاد حضرت رسول
اکرم (ص)، تولد حضرت امام جعفر

صادق (ع)

پیامبر اکرم (ص): آنگاه که آشوبهای روزگار
همچون شیعی ظلمانی شمارا دچار تردید و
ابهام می سازد به قرآن کریم چنگ زنید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی